

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۰۸/۱۵

«تقیه» در سیره برخی صحابه سرشناس!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با مسئله «تقیه» بود؛ ما پس از بررسی تقیه از آیات و روایات به بحث تقیه در اقوال صحابه رسیدیم. در این زمینه مطالبی هم از برخی صحابه مطرح کردیم تا رسیدیم به «حذیفه» متوفای ۳۶ هجری که صاحب سر رسول الله بود.

تقیه در سیره «حذیفه»، صاحب سر پیغمبر!

«سرخسی» که از فقهای پرآوازه احناف است و کتاب «مبسوط» او همانند کتاب «جواهر» ما در فقه است، می‌گوید: یکی از کسانی که به تقیه عمل می‌کرد «حذیفه» بود. او با افراد نادرست مدارا می‌کرد ولی به او برچسب نفاق می‌زدند!

او می‌گفت: "من منافق نیستم، اما بعضی از دینم را با بعضی دیگر از دینم خرید و فروش می‌کنم تا تمام دینم را از دست ندهم!" یعنی او با دروغ گفتن که خلاف شرع است، خودش و دیگر مسائل دینی اش را حفظ می‌کند. سپس می‌گوید:

«وَقَدْ أُبْتُلِي بِبَعْضِ ذَلِكَ فِي زَمَنِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَلَى مَا رُوي»

«حذیفه» در زمان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) هم گرفتار تقیه شد!

المبسوط، المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسی (المتوفى: ۴۸۳ هـ)، الناشر:

دار المعرفة - بيروت، تاريخ النشر: ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م، ج ۲۴، ص ۴۶

زمانی که مشرکین او را گرفتند و به او قسم دادند که پیغمبر اکرم را در هیچ غزوه‌ای یاری نکند. و او هم قسم یاد کرد!

زمانی که از دست مشرکین خلاصی پیدا کرد، خدمت رسول گرامی اسلام رسید و گفت: من چنین قسمی خورده‌ام! حضرت در جواب فرمودند:

«أَوْفِ لَهُمْ بِعَهْدِهِمْ وَنَحْنُ نَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَيْهِمْ»

تو که قسم خوردی و با آنان عهد و پیمان بستی به عهد خودت عمل کن و نگران ما نباش، ما از خداوند عالم برای نابودی مشرکین کمک می‌گیریم.

المبسوط، المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسی (المتوفى: ۴۸۳ هـ)، الناشر:

دار المعرفة - بيروت، تاريخ النشر: ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م، ج ۲۴، ص ۴۶

همچنین «هیثمی» متوفای ۸۰۷ هجری از «مجاهد» که متوفای ۱۰۴ هجری هست و از تابعین و مفسرین نامی هم می‌باشد، موردی از تقیه «عبدالله بن عمر» که در سال ۶۵ هجری از دنیا رفته است و پرونده خیلی خوبی هم از خودش باقی نگذاشته است؛ نقل کرده است.

نکاتی از شخصیت عجیب «عبدالله بن عمر»!

لازم است که دوستان بدانند که این «عبدالله بن عمر» جزو کسانی است که با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیعت نکرد! و با امام حسن (علیه السلام) هم بیعت نکرد؛ اما با سه خلیفه قبلی و همچنین با معاویه و با یزید بیعت کرد!

«عبدالله بن عمر» در زمان یزید در قضیه «حرّه» که به مدینه حمله کردند و ۷۰۰ نفر از صحابه را قتل عام کردند و نوامیس مسلمانان را مورد تجاوز قرار دادند و به تعبیر مورخین بزرگ اهل سنت، بیش از یک هزار فرزند نامشروع به دنیا آمد؛ در همان زمان، ایشان مدافع یزید بود!!

«عبدالله بن عمر» در آن زمان، صحابه را مقصر می‌دانست که چرا اینها در برابر یزید قیام کردند!! او معتقد بود تمام کسانی که در قضیه «حره» کشته شدند، به مرگ جاهلیت از دنیا رفتند و اهل جهنم هستند!!

این مسئله خیلی مسئله حساسی است و عزیزان باید خوب دقت کنند. آقایان که این همه صحابه را بالا می‌برند و عباراتی نظیر «الصحابة كلهم عدول» یا: «الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً» در مورد صحابه به کار می‌برند، باید جواب این مسائل را بدهند. ما به حرف عبدالله بن عمر گوش کنیم یا به حرف هفتصد نفر از صحابه گوش کنیم که در برابر یزید قیام کردند؟! این مسئله یکی از تناقضات و پارادوکس‌هایی است که این حضرات دارند! در کتاب «صحیح مسلم» که برای آقایان قابل خدشه هم نیست، وارد شده است:

« جاء عبد الله بن عمر إلى عبد الله بن مطيع حين كان من أمر الحرّة ما كان زمن يزيّد بن معاوية »

«عبدالله بن عمر» نزد «عبدالله بن مطيع» که فرماندار مدینه بود، آمد. نسبت به قضیه حره و اتفاقاتی که در زمان یزید به معاویه افتاد.

« فقال اطرحوا لأبي عبد الرحمن وسادة »

عبدالله بن مطيع گفت: برای پسر خلیفه یک پشتی بگذارید که راحت بنشیند.

« فقال إني لم آتِكَ لِأَجْلِيسِ أَتَيْتُكَ لِأَحَدِثُكَ حَدِيثًا سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُهُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ »

عبدالله بن عمر گفت: من نیامدم پیش تو بنشینم که باهم حرف بزنیم، بلکه آمدم با تو سخنی بگویم که خودم آن را از رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) شنیدم.

« من خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةِ لِقِي اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ »

هرکسی با حاکم اسلامی پیمان شکنی کند و دست از بیعت بردارد، فردای قیامت پیش خدا هیچ حجتی ندارند.

« وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً »

هرکسی بمیرد و در گردنش بیعت حاکم نباشد، مرگش مرگ جاهلی است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۷۸، ح ۱۸۵۱

حال ما از آقایان و علمای اهل سنت یا وهابیانی که شیعه را تکفیر می‌کنند به جهت اینکه شیعیان قائل به عدالت تمام صحابه نیستند و معتقد به بهشتی بودن همه صحابه نیستند؛ دو تا سؤال مهم داریم:

سؤال اول: هفتصد نفر از صحابه در این قضیه علیه یزید قیام کردند و کشته شدند. «عبدالله بن عمر» هم می‌گوید: این افراد به مرگ جاهلیت از دنیا رفتند و اهل جهنم هستند. ما کدامیک از این افراد را قبول کنیم؟! آیا هفتصد نفری که صحابه بودند و از مهاجرین و انصار هم بودند و کشته شدند اهل بهشت هستند، یا «عبدالله بن عمر»؟! حرف ایشان برای ما حجت است یا عمل صحابه برای ما حجت است؟!

سؤال دوم: آقای «عبدالله بن عمر» که می‌گوید: « وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً » ایشان که با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بیعت نکرد، اگر در همان زمان ایشان از دنیا می‌رفت، آیا به مرگ جاهلیت از دنیا می‌رفت؟!

«ابن حجر عسقلانی» که از استوانه‌های علمی اهل سنت است، می‌گوید:

«وكان عبد الله بن عمر في تلك المدة امتنع ان يبائع لابن الزبير أو لعبد الملك كما كان امتنع ان يبائع

لعلى»

سپس می‌گوید:

«وبائع لابنه يزيد بعد موت معاوية»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،

دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۱۳، ص ۱۹۵، ح ۶۷۷۹

حتی مدتی هم با معاویه بیعت نکرده بود، اما بعد از صلح امام حسن با معاویه بیعت کرد! همچنین «ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة» جلد ۷ صفحه ۴۷۳ به صراحت می‌گوید: تعدادی از صحابه از جمله «سعد بن ابی وقاص»، «اسامه»، «عبدالله بن عمر»، «محمد بن مسلمه»، «زید بن ثابت» و «ابوهریره» هیچکدام با امیرالمؤمنین بیعت نکردند!

حالا ما کاری با دیگران نداریم، بر فرض «ابوهریره» در میان ۵۷۰۰ روایتی که نقل کرده، چنین روایت «من مات بلا إمام مات میتة جاهلیة» را نشنیده بود، «عبدالله بن عمر» که شنیده بود.

اگر «عبدالله بن عمر» در زمان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و یا زمان امام حسن مجتبی (علیه السلام) از دنیا می‌رفت، به مرگ جاهلیت از دنیا می‌رفت یا نه؟! توهین کردن جرم است، اما سؤال پرسیدن که جرم نیست!

«ابو جعفر اسکافی» از علمای بزرگ اهل سنت و مورد قبول همه علما است. او می‌گوید: «عبدالله بن عمر» یک شب به منزل «حجاج بن یوسف ثقفی» که از طرف «عبدالملک مروان» حاکم کوفه بود، آمد.

«لیبائع لعبد الملك، کی لا یبیت تلك الليلة بلا إمام»

او آمد با عبدالملک بیعت کند، تا آن شب بدون امام از دنیا نرود.

«متذرعاً بأن النبي «صلى الله عليه وآله» قال: من مات ولا إمام له مات ميتة جاهلية»

او می دانست که پیغمبر اکرم (صلى الله عليه و آله وسلم) فرموده است: هرکسی بدون امام از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

«وحتى بلغ من احتقار الحجاج له واسترداله حاله أن أخرج رجله من الفراش فقال: أصفق بيدك عليها»

حجاج او را تحقیر کرد و تا جایی که پای خود را از بستر بیرون آورد و گفت: دستهای من مشغول است، فعلاً با پای من بیعت کن.

شرح نهج البلاغة، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد المدائني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ١٤١٨ هـ - ١٩٩٨ م، الطبعة : الأولى، تحقيق:

محمد عبد الكريم النمري؛ ج ١٣، ص ١٤٥

این پارادوکسی است که حضرات درست کردند و از عدالت صحابه، چماقی درست کرده اند و بر سر شیعه می کوبند و از این طریق کفر شیعه را ثابت می کنند و قتل شیعه را نیز جایز می دانند!!

سؤال خیلی پیچیده ای نیست؛ به ما بفرمایید «عبدالله بن عمر» که چنین روایتی را نقل کرده است، آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به اندازه «حجاج بن یوسف ثقفی» هم پیش او ارزش نداشت؟!

چرا او با امام حسن مجتبی (علیه السلام) و امیرالمؤمنین بیعت نکرد؟ آیا در آن زمان این روایت یادش نبود؟! شاید در آن زمان این روایت را در دفترچه ای نوشته بود و از یاد برده بود و بعد از آمدن یزید این روایت را مطالعه کرد و یادش آمد!!

در هر صورت اینها یک سری نکاتی است که ما باید در زاویه حافظه خودمان نگه داریم. و ما هزاران سؤال بی پاسخ مثل این سؤال داریم!

مشکل اساسی در زمینه پاسخگوئی به شبهات!

یکی از مشکلات ما در زمینه پاسخگوئی به شبهات که من بارها هم عرض کردم، این است که از همان ابتدا مخالفین ما شبهاتی را مطرح کردند و بزرگان ما هم فقط جواب دادند. یعنی همه این اقدامات فقط جنبه دفاعی داشته است!

«جاحظ» کتابی با نام «العثمانیه» بر علیه شیعه می‌نویسد و «شیخ مفید» هم در جواب او کتابی به نام «نقض العثمانیه» می‌نویسد.

«قاضی عبدالجبار معتزلی» متوفای ۴۱۵ هجری کتابی به نام «المغنی فی الإمامة» می‌نویسد که «سید مرتضی» در جواب او کتابی به نام «الشافی فی الإمامة» می‌نویسد.

«ابن تیمیه» کتابی به نام «منهاج السنة» می‌نویسد و «علامه حلی» به این کتاب پاسخ می‌دهد. «فضل بن روزبهان» کتابی به نام «ابطال الباطل» می‌نویسد و مرحوم «مظفر» جواب او را می‌دهد.

«علامه حلی» بحثی را مطرح می‌کند و «ابن تیمیه» نسبت به «علامه حلی» جسورانه و وقیحانه پاسخ می‌دهد. «علامه حلی» در کتاب‌های دیگر خود مفصل نسبت به او جواب داده است. او «ابن تیمیه» را مورد خطاب قرار نداده است، اما تمام شبهات اساسی «ابن تیمیه» را در دیگر آثار خود جواب داده است.

«دهلوی» کتابی به نام «تحفه اثنی عشریه» می‌نویسد که «میر حامد حسین» در کتاب «عبقات» جواب او را می‌دهد.

شما مشاهده می‌کنید که نود درصد کتب مشهوری که بزرگان ما نوشته‌اند، جنبه دفاعی دارد و ما کتابهایی که جنبه تهاجمی داشته باشد، خیلی کم داریم. البته در لابلائی بحث‌های دفاعی، بحث‌های تهاجمی هم وجود داشته است ولی خیلی مفصل نبوده است.

غیر از «سید بن طاووس» که در کتاب «الطرائف» به صورت مستقل سؤالاتی علیه اعتقادات اهل سنت طرح کرده است، و حالت تهاجمی دارد، من کتابی دیگر از متقدمین در این زمینه ندیدم.

طبق آماری که مرکز اباحت عقایدیه داده است، نزدیک ۵ هزار کتاب علیه شیعه نوشته شده است و این قضیه مربوط به ۱۵ یا ۲۰ سال قبل است. در ۲۰ سال اخیر که الی ماشاءالله علیه شیعه کتاب نوشتند.

اینکه ما بیاییم شبهه مطرح کنیم و حمله و هجمه کنیم، چه مقدار کتاب بوده است؟! بحث این است که در برابر سؤالات آنان که جواب می‌دهیم، سؤالاتی هم ما طرح کنیم. اگر قرار باشد آنان سؤال کنند و ما فقط جواب بدهیم، طبق روال ۱۴ قرن گذشته خواهد بود.

در غدیر یا محرم امسال تعدادی از بچه شیعه‌ها وارد شبکه‌های ماهواره‌ای وهابیت شدند و سؤالاتی را از آنها مطرح کردند. اگر دوستان زحمت بکشند این برنامه‌ها را در قالب یک سی دی جمع کنند و خدمت آقایان تقدیم کنند، کار مفیدی خواهد بود. ما بارها به دوستان توصیه کرده‌ایم که در برابر سؤالات آنان جواب هم بدهید، این ایرادی ندارد، اما جوابی که در کنار آن، چندین سؤال هم از آنها مطرح کنید.

اینها در شبکه‌های ماهواره‌ای خودشان، مرتب عنوان می‌کنند که عزاداری بدعت است، عزاداری شرک است، سینه زدن شرک است، و...! بچه شیعه‌های هفت ساله، هشت ساله در جواب این افراد با این شبکه‌ها تماس گرفتند و گفتند که اگر سینه‌زنی شرک است، اولین مشرک از دیدگاه شما، خود عایشه است که می‌گوید وقتی پیغمبر از دنیا رفت:

«وَقُمْتُ أَلْتَدِمُ مَعَ النَّسَاءِ»

من به همراه زنان پیغمبر و زنان انصار با همدیگر سینه می‌زدیم.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۶، ص ۲۷۴، ح ۲۶۳۹۱

هر شب چند نفر از بچه‌ها روی آنتن شبکه‌های وهابی می‌رفتند و همین سؤال را مطرح می‌کردند که همگی هم هماهنگ شده بود. این وهابی‌ها بیچاره شدند و اهل سنت هم بیدار شدند که قضیه سینه زنی که این وهابی‌ها ترد کردند و مانع شدند و از طرف بنی امیه هم در طول چهارده قرن بنیانگذاری شده است؛ اشتباه بوده است! آقایان اهل سنت برای عایشه ارزش و قداستی فوق العاده قائل هستند. اگر ما بگوییم پیغمبر اکرم عزاداری کرده است، آن‌ها می‌گویند: پیغمبر اکرم برای فرزند خود عزاداری کرده است و این امری عادی است.

ولی زمانی که می‌گوییم: عایشه در وفات پیغمبر اکرم و همچنین پدر خودش سینه زنی می‌کرد، نوحه سرایی می‌کرد و زمانی که هر کدام از اقربایش از دنیا می‌رفت، عایشه نوحه‌سرایی می‌کرد؛ چشم و گوش شخص سنی باز می‌شود!

اصلاً ما کاری نداریم که شبکه‌های وهابی بفهمند یا نفهمند، بلکه هدف ما این است که این مطالب بیاید و از این رسانه‌های جهانی به گوش مردم برسد. این افراد که نمی‌آیند در حوزه‌های علمیه پای منابر ما بنشینند و در حسینیه‌ها و مساجد پای صحبت‌های علمای ما بنشینند؛ اما حداقل برای همین شبکه‌های ماهواره‌ای که درست کردند ارزش قائل هستند.

این افراد که این همه تأکید می‌کنند که بیایید این شبکه‌ها را نگاه کنید، ما هم باید بیاییم از این تهدید به عنوان یک فرصت استفاده کنیم.

در همین ایام غدیر تمام بچه‌ها یکنواخت هرشب به تمام این شبکه‌ها زنگ زدند و تنها جای طلبه‌ها خالی بود. حرمت استفاده از ماهواره تنها نصیب روحانیون شده است تا جایی که بعضی افراد هم تقیه می‌کنند که همسایه‌ها نگویند روحانیون هم ماهواره دارند!

البته تمام این ماهواره‌ها، اعم از شیعی یا ضد شیعی از طریق اینترنت هم پخش می‌شود؛ یعنی هزینه آنچنانی ندارد. ما باید به جای اینکه بعضی از این سریال‌های وقت‌گیر را ببینیم، مشاهده کنیم که در این شبکه‌ها و رسانه‌ها چه خبر است!

ما باید توجه داشته باشیم، مطالبی که در این رسانه‌ها پخش می‌شود، فردا از طریق کلیپ در مدارس، دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و به بیان دیگر در سطح جامعه پخش می‌شود و فرزندان خود ما هم این کلیپ‌ها را می‌بینند.

ما حداقل به خاطر بچه‌های خودمان هم که شده، از این برنامه‌ها و اهداف شوم اینها اطلاع داشته باشیم. برگردیم به بحث خودمان...

تقیه «عبدالله بن عمر» از «حجاج بن یوسف»!

در هر صورت «عبدالله بن عمر» می‌گوید:

«سمعت الحجاج یخطب فذكر کلاماً أنکرته فأردت أن أغیر»

حجاج جمله نادرست و خلاف اسلام را گفت، من تصمیم گرفتم که بلند شوم و در برابر او این عبارت او را تغییر بدهم و بگویم سنت و شریعت این نیست که شما دارید نقل می‌کنید.

«فذكرت قول رسول الله صلى الله عليه وسلم لا ینبغی للمؤمن أن یدل نفسه»

یاد کلام پیغمبر افتادم که فرموده بود برای مؤمن جایز نیست که خودش را ذلیل کند.

«قلت یا رسول الله کیف یذل نفسه قال یتعرض من البلاء لما لا یطیق»

گفتم: یا رسول الله چطور انسان خود را ذلیل می کند؟ فرمود: متعرض یک سری مشکلاتی باشد که از توان او فراتر است.

مجمع الزوائد، الهیثمی، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۰۸ - ۱۹۸۸م، ج ۷، ص ۲۷۴

واقعاً عجیب است که عبدالله بن عمر از طرفی با پای حجاج بیعت می کند و از طرف دیگر «کلاماً آنکرته» می گوید! یعنی این قدر عرضه ندارد که در برابر خلاف شریعت «حجاج بن یوسف» قیام کند یا حداقل سخن پیغمبر اکرم را نقل کند! چطور شد که برای دفاع از یزید نزد «عبدالله بن مطیع» می آید، اما برای دفاع از شریعت حاضر نیست با حجاج دهن به دهن شود. لذا این موارد یک سری مسائلی است که نیاز به دقت و تدبر دارد.

یکی دیگر از کسانی که بحث تقیه را مطرح کردند، «عبدالله بن عباس» است که بحث مفصلی دارد. ما روایات متعددی از «ابن عباس» در این زمینه داریم.

دوستان توجه داشته باشند که ما با تمام حواشی که «عبدالله بن عباس» دارد، به روایات او عمل می کنیم. برخلاف روایات برادرش «عبیدالله بن عباس»!

ایشان الحق و الانصاف شاگرد آقا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بود و اعتراف می کند که من در تفسیر هر مطلبی دارم، از امام امیرالمؤمنین فرا گرفتم.

او می گوید: علم من و علم دیگر صحابه در برابر علم امیرالمؤمنین، همانند قطره ای در برابر دریاها است. او حداقل این مقدار شهادت داشته تا نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) این طور دفاع کند.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته